

پیشگفتار و نقد مقاله ها

نگرشی مجدد بر سمینار بین المللی جغرافیایی * جمهوری اسلامی ایران

جلسه پایانی سمینار بین المللی جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران از ۱۶ تا ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۴ به همت بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی و به کوشش بخش جغرافیایی آن بنیاد در مشهد مقدس برگزار شد. این جانب سمینار مزبور را ثمربخشترین و موفقترین سمیناری دیدم که در دوران نسبتاً دراز زندگی علمی خود در رابطه با جغرافیا مشاهده کرده بودم، ثمربخشترین از این لحاظ که در آن سمینار جغرافیدانان ایران بعد از هفت سال جدایی و تفرقه که از زمان ششمین کنگره جغرافیدانان ایران در اصفهان (شهریور ۱۳۵۷) بر آنها گذشته بود گرد هم می آمدند و ولی گرد همایی آنان با گذشته ها دو تفاوت بزرگ داشت یکی این که همه با دست

* استاد محترم جناب آقای دکتر محمد حسن گنجی که برگردن همه جغرافیدانان ایران حق استادی دارند، مطلبی درباره سمینار بین المللی جغرافیای جمهوری اسلامی ایران و در نقد مقالات آقایان دکتر عباس سعیدی و دکتر حسین شکوئی (که در شماره اول مجموعه مقالات سمینار چاپ شده است) بعنوان مقدمه برای شماره ۲ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ارسال داشته اند. متأسفانه مطلب استاد پس از حروف چینی و صفحه آرایی مقالات این شماره به دفتر فصلنامه واصل گردید. با توجه به کمبود جا در مجله مجبور شدیم در این شماره فقط آن قسمت از مطلب استاد که در نقد مقاله آقای دکتر عباس سعیدی آورده شده است چاپ کنیم. امید است که نقد مقاله آقای دکتر حسین شکوئی را در شماره آینده به چاپ برسانیم.

پرآمده بودند و هریک حاصل هفت سال تحقیق و تتبع را همراه داشتند و پاره‌ای از آنها مانند جغرافیدانان دانشگاه اصفهان و دانشگاه شهید بهشتی که عملاً برای اولین بار به صورت گروهی در یک طرح عظیم اقتصادی یعنی طرح فولاد مبارکه مشارکت موثر کرده بودند مطالب و مسائل تازه و زیادی در سمینار عرضه کردند و دیگر این که تحولات فرهنگی و آموزشی ناشی از انقلاب بزرگ اسلامی افکار و آرمانها و روشهای کار آنان را سخت تحت تاثیر قرار داده بود. توفیق سمینار نتیجه برنامه ریزی صحیح و دقت در اجرای منظم برنامه و مهمانداری و پذیرایی شایسته‌ای بود که از میهمانان به عمل آمد. نشانه دیگر و بسیار مهم توفیق سمینار را در این می‌توان مشاهده کرد که دکتر پاپلی موفق شده است تا این تاریخ که بیشتر از شانزده ماه از برگزاری سمینار نمی‌گذرد سه شماره از مجموعه مقالات سمینار جغرافیایی «را که متضمن ۵۹ مقاله و بیشتر از ۱۲۰۰ صفحه است» چاپ و توزیع کند. اهمیت این موفقیت بزرگ را تنها کسانی می‌توانند تشخیص دهند که خود دست اندرکار امور چاپی بوده و از وضع دشوار حاکم بر فن چاپ و محدودیتهای فراوان ناشی از شرایط جنگ تحمیلی با اطلاع باشند.

در همین مدت و هم زمان با تمام گرفتاریهای اداری و اجرایی آقای دکتر پاپلی موفق شده است اولین شماره فصلنامه تحقیقات جغرافیایی «را که در نوع خود بی سابقه و بی نظیر است و بحق باید اولین نشریه بتمام معنی تحقیقاتی در زمینه جغرافیایی به شمار آید در بیشتر از ۲۰۰ صفحه و متضمن ده مقاله منتشر سازد. در این مرحله لازم می‌دانم با یک دنیا خرسندی موفقیتهای بزرگ اولیای بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی و مخصوصاً شخص دکتر پاپلی را در انجام این خدمات بزرگ به دانش جغرافیا از صمیم قلب تبریک بگویم و برای او و همکارانش آرزوی توفیق بیشتر بکنیم.

اظهار نظر در باره این نشریه نفیس را چنانچه ضروری به نظر رسد به شماره‌های آینده فصلنامه موکول می‌کنم و در این جا نوشته خود را به اظهاراتی در باره مطالب سمینار محدود می‌سازم.

دریافت سه شماره «مجموعه مقالات سمینار جغرافیایی» و ملاحظه اجمالی مقالات تفصیلی آن که بجز در یکی دو مورد با خلاصه‌هایی که در جریان سمینار توزیع و در جلسات سمینار عرضه گردیده بود تفاوت زیادی داشت، اعتقاد این نویسنده را در این که «سمینار بین‌المللی جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران» ثمربخشترین گردهمایی جغرافیدانان ایران تا کنون بوده است راسختر نمود به این علت که در هیچ یک از کنگره‌ها و سمینارهای گذشته دیده نشده بود که این همه تحقیقات ابتکاری دست اول بوسیله دانشمندان و جغرافیدانان کشور ما عرضه شود.

در جریان سمینار مشهد فشردگی برنامه‌ها و وقت کمی که در اختیار سخنرانان گذاشته شده بود نه فقط مجالی برای بحث در اطراف گفتارها فراهم نمی‌ساخت بلکه فرصتی برای جذب و به خاطر سپردن مسائل هم به شرکت‌کنندگان نمی‌داد ولی اکنون که بخشی از مقالات به تفصیل در مجموعه‌های شماره ۱ و ۲ و ۳ به چاپ رسیده می‌توان آنها را بهتر مورد ارزشیابی قرار داد.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد همه مقالات عرضه شده نتیجه تحقیقات دست اول جغرافیدانان ما بود که اغلب آنها هفته‌ها بلکه ماهها صرف جمع‌آوری و مطالعه و بررسی منابع و احتساب و مقایسه‌های آماری یا مشاهدات و تجربیات عینی کرده بودند ولی در شماره اول مجموعه مقالات سمینار جغرافیایی دو مقاله از آقایان دکتر عباس سعیدی و دکتر حسین شکوئی وجود دارد که هر دو بحث‌انگیز است و جا دارد که مطالب و مسائل مطرح شده در آنها بیشتر از آنچه که در مقالات ابراز شده، شکافته شده و مورد ارزشیابی و استفاده کاربردی جغرافیدانان ما قرار گیرد و درباره همین دو مقاله است که این نویسنده در نظر دارد ملاحظاتی اظهار نماید:

مقاله دکتر سعیدی تحت عنوان «جغرافیای جهل» از این لحاظ اهمیت خاصی دارد که او برای اولین بار چنین عنوانی را که شاید در محافل علمی خارجی هم دیده نشده باشد معرفی کرده و جغرافیایی بودن موضوع بحث خود را هم در چهارچوب تعریف دانش جغرافیا (مبتنی بر مطالعه اختلافات و تشابهات پدیده‌های زمین و تحلیل علل و عوامل به وجود آورنده آنها، ص ۷۶) بخوبی موجه شناسانده است.

اساس مقاله آقای دکتر سعیدی را نابرابریهای مختلف و تبعیضات گوناگون

موجود در جوامع امروز بشری به وجود می‌آورد که هر انسان مطلع و نوعدوستی را متأثر می‌سازد. زیانند جغرافیدانانی که آن نابرابریها را مورد توجه قرار داده‌اند و از جمله آنهاست ژوزوئه (خوزه) دوکاسترو (برزیلی) استاد شناخته شده جغرافیای انسانی و رئیس اسبق سازمان خواربار جهانی که او را باید بنیان‌گذار مکتب فکری در جغرافیا دانست که وجود نابرابریها را به صحیح معلول سیاستهای غالب و ناعادلانه مسلط بر جهان می‌دانند و اثر جاودانی او را متیترجنزی (مهران) تحت عنوان انسان گرسنه به فارسی برگردانده است (نشریه شماره ۲ موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی - دانشگاه تهران - ۱۳۴۶).

دکتر سعیدی نابرابریهای ناشی از فقر و گرسنگی و عدم تعادل ثروتها در جهان و نیز ناهنجاریهای معلول تبعیضات نژادی یا تفاخرهای ملی را به صورت یک پدیده جغرافیایی به بهترین صورتی بیان کرده است و علاوه بر این آلودگیهای اجتماعی دیگر ناشی از تسلط تمدن غرب بر جهان را، بر بلای نابرابریها افزوده و از جغرافیدانان خواسته است که با استمداد از فضایل و معارف اسلامی به شناخت ابعاد جهل در سراسر گیتی پردازند و وسعت و گستره این پدیده را در ارتباط با طرز تفکر حاکم بر جهان افشا نمایند (ص ۸۳). دکتر سعیدی در پایان مقال می‌گوید که:

«باید از آغاز پدیده‌های جهل را به طور منفرد و مجزا بشناسیم، سپس نوارهای هر پدیده را کشف کنیم و بالاخره به همان گونه که برای شناخت نواحی کشاورزی جهان یا برای شناخت اقلیم گوناگون، با تعیین ضوابط و محکهای خاص نقشه‌هایی تهیه شده است نوارهای پدیده جهل را روی نقشه جغرافیا ترسیم کنیم» ص ۸۴۰.

در این که ناهنجاریها و نابرابریهای غیر عادلانه و بسیار نامطلوب وجود دارد تردیدی نیست و در این که نه فقط جغرافیدانان بلکه تمام متفکرین باید آنچه از دستشان و فکرشان بر می‌آید در راه از میان بردن این نابرابریها اعمال کنند هم هیچ بشر نوعدوستی نمی‌تواند شک داشته باشد. تا جایی که مربوط به جغرافیا و جغرافیدانها می‌شود این وظیفه گروه‌های آموزشی جغرافیاست که در درسهایی با عنوانها و محتواهای مناسب در برنامه‌ها گنجانده و نسبت به بیدار کردن ذهن جغرافیدانان در باره وجود جنبه‌های مختلف جغرافیای جهل و راههای مبارزه با آن از بندل هیچ

کوششی فروگذار نکنند.

تنها یک مسأله کوچک در میان است و آن عنوان (جغرافیای جهل) است که به نظر این نویسنده گویا و جالب به نظر نمی‌رسد. در این باره از مدیر فصلنامه تحقیقات جغرافیایی اجازه می‌خواهم عین نامه خصوصی را که بعد از دریافت شماره اول مجموعه مقالات جغرافیایی سمینار «بعنوان آقای دکتر سعیدی نوشته‌ام در این جا نقل کنم و از خوانندگان هم به خاطر این که این نوشته کوتاه را با نقل نامه خصوصی به پایان می‌آورم قبلاً معذرت می‌خواهم.

۶۵/۴/۱۷

آقای دکتر سعیدی عزیز هنگامی که در خلال سمینار جغرافیایی سال گذشته موضوع «جغرافیای جهل» را عنوان کردید به نظر من خیلی جالب آمد ولی در گیرودار سمینار با وقت کمی که در اختیار بود مجال بحث و حتی تفکری هم به دست نیامد؛ تا این که در دو روز اخیر تفصیل امر را در شماره اول مجموعه مقالات سمینار خواندم و حالا باید به شما تبریک بگویم که برداشت بسیار جالبی از یک موضوع حساس انسانی به عمل آورده‌اید که خیلی‌ها را به تفکر و تأمل بیشتر و خواهد داشت و من تصور می‌کنم در گردهمایی بعدی در باره آن بحث بسیار به میان آید. اما به نظر من عنوان «جهل» با این که بقول فرنگیها خیلی «انتریگان» یا «انتریگانت» و باب روز است اگر آن را معادل «ایگنورنس» بگیریم زیاد با محتوای گفتار و نوشتار مطابقت نمی‌کند. همان طور که خودتان نوشته‌اید یکی از تعاریف جغرافیا که این روزها خیلی طرفدار دارد مطالعه و بررسی اختلافات، اعم از طبیعی و انسانی در فضاها و جستجوی علت آنهاست که در آن صورت آنچه شما گفته‌اید مطلبی کاملاً جغرافیایی محسوب می‌شود ولی عنوان جهل به آن نمی‌خورد چون اگر جهل را صفت مستضعفین بدانیم دور از انصاف است و اگر آن را صفت مستکبرین در قضیه بدانیم صحیح نیست چون آنها با علم، ظلمها و تبعیضها را به مرحله عمل می‌گذارند. حالا که

بنیاست موضوع را در قالب یک اسم معنی کنیم به نظر من «جغرافیای تبعیض» که همان آپارتاید باشد و اگر از زاویه انحطاط اخلاقی غرب به موضوع بنگریم «جغرافیای انحطاط اخلاقی» یا چیزی شبیه به آن از جهل بهتر خواهد بود. نمی دانم نظر شما چیست؟ بهر حال این ابتکار شما را در یک نوآوری علمی که در اذهان جغرافیدانان ما کاملاً بی سابقه بوده بار دیگر به شما تبریک می گویم و توفیق بیشتر شما را آرزو مندم.

ارادتمند محمد حسن گنجی



پرتال جامع علوم انسانی
 روبروی گاه ملام اشرفی و طابقات تبریزی